

آراء و اندیشه های کبیر و جایگاه او در نهضت نوبهکتی

زهرا حسینی حمید^۱

هانیه محبت پناه^۲

چکیده

کبیر نامی است که با نهضت بهکتی پیوند خورده است. در دوره ادبیات حماسی در قرن ششم پیش از میلاد، در دین هندوی سه راه فکری (معرفت، عبادت خالصانه، عمل) برای نجات و رستگاری انسان شکل گرفت که عبادت خالصانه، بهکتی، از اهمیت خاصی برخوردار است. از قرن پانزدهم به بعد عارفان بزرگی بهکتی را به عنوان مکتبی مستقل به جریان انداختند که به جنبش نوبهکتی معروف است. از این قرن به بعد بهکتی تنها یک راه برای عبادت خالصانه نبود بلکه بیشتر جنبه عرفانی به خود گرفت و به صورت یک مسلک جدا در آمد. یکی از توسعه دهندگان این نهضت «کبیر» بود. او از شاگردان راماننده، بزرگترین عارف هندویی زمان خودش بود. از این طریق کبیر توانست با عقاید هندویی آشنا شود. همچنین توانست با سفرهای زیاد و دیدار از خانقاه‌های صوفیان مسلمان، از عقاید اسلامی بهره ببرد. او راه بهکتی و بحث توحید را از این دو آئین بزرگ تأثیر گرفت. تأثیرگذارترین نظریه کبیر در جنبش بهکتی این اعتقاد بود که هر کس خدا را به هر نامی بخواند، فرقی نمی‌کند و در حقیقت او تأثیری نخواهد داشت. اختلاف اسامی فقط بازی الفاظ است. به همین دلیل او سعی داشت این اندیشه را باقی نگه دارد که باید میان ادیان مختلف مانند هندویی، اسلام، مسیحیت و ... اتحاد برقرار کرد، زیرا هدف همه‌ی این دین‌ها مشترک است.

کلیدواژه‌ها: بهکتی، کبیر، جنبش، نوبهکتی، اسلام.

^۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

^۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد ادیان و عرفان واحد تهران شمال

مقدمه

سرزمین هند در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود اندیشمندان فراوانی را پرورده است که گاه آوازه آنها تا خارج از مرزهای جغرافیایی نیز رسیده است. دین هندوئی در بستر زمانی پنج هزار ساله تکوین یافت و گاه در این مدت با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو بوده است. ورود ادیان مختلف از اطراف از جمله این چالش‌هاست. هندوئیسم با این مشکلات کنار آمد و مصلحانی ظهور کردند که با ایده‌پردازی‌های خود در دین، آنها را حل کردند. دوره حماسی در هند از قرن ششم پیش از میلاد آغاز شد و تا قرن دوم میلادی ادامه داشت. در این مدت سه جریان فکری به وجود آمد: ادیان مستقلی مانند جین و بودا بدون توجه به *وداها* و *اوپنیشادها* طریق آزاد و بی‌تکلفی را در دسترس همگان گذاشتند. پیدایش آئین بهگوته که محبت، یکتاپرستی و طریق عشق را عرضه می‌داشت و آخر اینکه فلسفه‌ی هند در این دوره همراه با آراء و عقاید فلسفی، حکمی، منطقی و روش‌های استدلالی به وجود آمد.

اما با ورود اسلام به هند در قرن دهم و یازدهم بسیاری از بزرگان هند سعی داشتند که بین دو دین اسلام و هندو ارتباط برقرار کنند و مشترکات فراوانی که در اصل این دو دین وجود دارد و تأثیری که از هم گرفته‌اند را به شکلی جدید گردآوری کنند. از بزرگترین افرادی که در این زمینه کوشیده‌اند می‌توان به اشخاصی مانند راماننده، کبیر، نانک اشاره کرد. جنبش نوبهکتی در شمال هند قیامی علیه تفاوت طبقاتی میان هندوها بود. حتی عدم تفاوت طبقاتی و تبعیض، در عبادات آنان نیز جاری شده است. گفته شده بعضی از قدیسان نوبهکتی با اینکه به مکتب نرفته بودند اما سرودهای روحانی خود را با لهجه‌ی عوام‌الناس تنظیم می‌کردند. بر طبق سنت، نوبهکتی جریانی سرشار از شعر و غزل عاشقانه را به وجود آورد. کبیر را باید از جمله این افراد برشمرد که با کوشش‌های خویش در جهت احیاء سنت‌های گذشته این سرزمین گام برداشتند. او تشخیص داد که در شرایط خاص دوران معاصرش، زنده ساختن مکتب بهکتی می‌تواند مثمر ثمر واقع شده و بخشی از کاستی‌ها و مشکلات موجود را مرتفع می‌سازد. سخن گفتن از طریق بهکتی و عبادت مبتنی بر محبت، مبحث تازه‌ای در الهیات هندویی نبود و پیشینه آن به ادبیات حماسی باز می‌گشت، اما بهره‌گیری از آن در جهت ایجاد وفاق اجتماعی در دوره اختلاط اسلام و هندوئیسم حرکتی نو محسوب می‌شد. مکتبی که کبیر و اساتید و شاگردان او در پی تحکیم آن بودند، «نوبهکتی» نام گرفت که از هندوئیسم ویشنویی جدید سر بر آورده بود. این طریق بر اساس ایمان، اعتقاد قلبی به اصول و فروع همراه با عشق و محبت استوار گردیده است.

علت ایجاد نهضت نوبهکتی این بود که از سه راه دینی هندویی یعنی راه شناسایی (جنانه) و راه عمل (کرمه) و راه عبادت خالصانه (بهکتی)، راه شناسایی خشک و سخت به نظر می‌رسید و راه عمل هم اغلب در انحصار دسته‌ای خاص

بود، پس شگفت آور نبود که بهکتی، راه عبادت خالصانه در میان مردم رواج بیشتری یافته باشد. بهکتی برخاسته از عقاید کهن هندویی بود که با گسترش ادیان دیگر از جمله مسیحیت و اسلام به صورت یک جنبش خود را نشان داد. نوبهکتی به مرور زمان با راهنمایی‌های بزرگان این مکتب، به صورت یک نهضت دینی بروز کرد. یکی از شخصیت‌های مهم این نهضت «رامانوجا» است. او در آثار خود از بهکتی به عنوان بزرگترین راه رسیدن به خدا تعبیر کرد. بعد از وی بزرگان دیگری مانند راماننده، نیم‌بارکه، نام‌دو، ولبه چاریه، سورداس، تولسی‌داس، کبیر، راویداس و در نهایت دادو، با نظرات خود تأثیرات زیادی در این نهضت به وجود آوردند. در این رساله هم به بررسی جایگاه کبیر در نهضت بهکتی پرداخته شده است. جایگاه خاص کبیر در این نهضت به دلیل تأثیراتی است که او به وجود آورد. او توانست بهکتی را از محدوده‌ی نظام کاستی خارج کند و آن را در میان عامه مردم گسترش دهد. از نظر او همه با هم برابر و یکسان هستند. کبیر در مقابل مخالفان خود، بزرگان هندویی و مسلمان، ایستاد و بر عقاید خود استوار ماند. چون زبان شعرگونه کبیر به زبان رایج و عامه‌ی مردم بود به همین دلیل اعتبار زیادی پیدا کرد. اعتبار این آثار تا به امروز ادامه دارد. زیرا که پیروان کبیر آثار او را به عنوان متون مقدس خود قلمداد می‌کنند. در مقاله فوق مهمترین اهداف آشنا شدن با زندگی و آراء کبیر، تأثیرات متقابل کبیر و جنبش بهکتی بر هم، ارزیابی جایگاه کبیر در نهضت بهکتی، آشنایی با بزرگان نهضت نوبهکتی و تأثیرات آنها می باشد.

بیان اساسی این مقاله تبیین آراء و اندیشه‌های «کبیر» و جایگاه او در نهضت «نوبهکتی» است. بر این اساس برای بیان و شرح کامل از موضوع، در ابتدا می‌بایست درباره‌ی کبیر و بهکتی بررسی‌های انجام شده رایان کرد تا به جایگاه او در این نهضت رسید. مجموعه سؤالاتی که در این مقاله به دنبال جوابگویی آن هستیم، تفاوت جایگاه نهضت بهکتی و نوبهکتی چیست؟ نقش کبیر در تحولات شکل‌گیری، رشد و افول نهضت نوبهکتی چگونه بود؟ اعتبار آثار کبیر در میان دیگر متفکران این نهضت چگونه است؟

به نظر می‌رسد تحقیقات و مطالعات انجام شده در این زمینه، در داخل و خارج از کشور بیشتر بر روی نهضت بهکتی و نوبهکتی است و درباره‌ی کبیر اشاراتی کوتاه آمده است. مقالات و کتب فارسی درباره کبیر کاملاً کلی است و او را به عنوان یکی از بزرگان نهضت نوبهکتی معرفی کرده‌اند. نظرات کبیر را بیشتر همراه با تأسیس دین سیک آورده‌اند. او را به عنوان معلم بنیانگذار دین سیک و یا یکی از شاگردان برجسته‌ی راماننده معرفی کرده‌اند. اما با بررسی کتب و مقالات خارجی به زندگی کبیر و عقاید او بیشتر پرداخته شده و گاهی هم از تأثیرات او در نهضت نوبهکتی سخن به میان آمده است.. نوآوری این کار هم از همین جهت است. چرا که با تأثیرپذیری کبیر از اسلام، سبب شد او تلفیقی

از آئین هندو و اسلام را در نهضت بهکتی ارائه و آنرا گسترش دهد. روش تحقیق در این رساله روش تحلیلی است که منابع از طریق سنتی، کتابخانه‌ای و اینترنتی فراهم آمده است.

زندگی و آراء کبیر

تاریخ تولد و مرگ کبیر در هاله ای از ابهام است. طبق افسانه‌ای مادرش باکره‌ای مجرد و زنی خوش‌نام و از طبقه برهمن‌ها بود که در معبد هندویی به عبادت مشغول بود، بعد از دعای زاهدی باردار شد.^۱ بر طبق سخن «سیتا راما»^۲ تاریخ وفات کبیر سال ۱۴۹۲ میلادی است. وی گفته است: «این نابغه بزرگ روحانی یک‌صد و یک سال زیسته است».^۳ در *آدی گرانث*،^۴ کتاب مقدس سیک‌ها، اطلاعات زیادی درباره زندگی کبیر و تعالیم او موجود است اما هیچ گزارش ویژه‌ای در مورد مکان یا تاریخ تولد، نام و مذهب کبیر به هنگام تولد، وضعیت زندگی، مجرد یا تأهل و یا تعداد سال‌ها و مکان زندگی‌اش وجود ندارد. سید اطهر رضوی می‌نویسد: «کبیر در «بیهار»^۵ دهکده‌ای در ناحیه «اعظم گار»^۶ متولد شد. این احتمال بیشتر است که کبیر در خانواده‌ای مسلمان متولد شده باشد که اعضای آن عمیقاً با عقاید نات^۷ آموزش دیده بودند.^۸ با تمام توصیفات ذکر شده در باره‌ی تولد کبیر بیشتر نویسندگان توافق دارند او در روزی از ماه کامل در یکی از روزهای ماه «ویکرامی»^۹ در سال ۱۴۵۶ میلادی پا به جهان گذاشت، که مقارن با سال

^۱ - Safra, Jacob E., "Kabir", *The New Encyclopedia Britannica*, Vol. 6, P.350.

^۲ - Sitā Rāmā

^۳ - جلالی نائینی، *طریقه گورو ناتک و پیدایی آیین سیک‌ها*، ص ۱۱۲.

^۴ - Ādi Grānt

^۵ - Beihār

^۶ - Azamgārh

^۷ - نام فرقه‌ای در شمال هند است که امروزه به نام کان‌پهاتا یوگی «Kānphātā Yogi» یا نات یوگی «Nāth Yogi» شناخته می‌شود. بنیانگذاران این فرقه احتمالاً متسین درانات «Matsyendranāth» و گوراک شانات «Gorākṣānāth» در قرن دهم میلادی بودند. هر دوی آنها به عنوان Siddhas مورد توجه بودند. اعتقاد آنها براین بود که وجود انسان باید با کمال به آزادی برسد که از تولد مجدد رهایی یابد و دارای قدرت فوق‌العاده شود تا جسم جاویدان پیدا کند. این فرقه اعضایی را از طبقات پایین کاست پذیرفت و در شمال هند از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

Sullivan, Bruce E., "Nath", *Hinduism*, P.144.

^۸ - Singh Brar, Sir Granth Sahib, @ www. Sikhs.org.

^۹ - Vikrāmi

۱۳۹۸ مسیحی در روز دوشنبه است.^۱ در روایات آمده که کبیر بیشتر عمر خود را در کاشی گذرانده و او را به عنوان بافنده‌ای از کاشی می‌شناختند. روی هم رفته پیروان کبیر^۲ معتقدند کبیر در کاشی به دنیا آمده است.^۳

سه دیدگاه درباره‌ی محل تولد کبیر وجود دارد:

مقر یا مگهر،^۴ مکانی است نزدیک واراناسی امروزه،

شهر کاشی^۵ (بنارس امروزی)،

روستای بل‌هارا^۶ در اعظم گاره.

بیشتر زندگی کبیر در کاشی گذشت و او را به عنوان بافنده‌ای از کاشی می‌شناختند. پیروان کبیر هم معتقدند کبیر در کاشی به دنیا آمده بود.^۷

درباره تحصیلات کبیر باید گفت وی هیچ تحصیلات رسمی نداشت اما درک مطالبش از منابع متنوع فوق‌العاده بود.^۸ کبیر به دنبال معلم بود و کسی بهتر از راماننده را پیدا نکرد.^۹ نقل کرده‌اند کبیر با پیرویان راماننده مشهور و پرهیزکار شد. چون کبیر از طبقه پائین کاست بود راماننده در ابتدا او را نپذیرفت.^{۱۰} وقتی کبیر اعلام کرد شاگرد راماننده شده است هندوها و مسلمانان مأیوس شدند و نماینده‌ای نزد راماننده فرستادند و از او سؤال کردند: «آیا این مطلب صحت دارد که پسر مسلمانی را به عنوان مرید پذیرفته است؟ راماننده حرف آنها را تأیید کرد و به آنها گفت: «برهن این عصر، کبیر است که ذات حق را شناخته است.»^{۱۱} کبیر درباره خود نوشته است: «در کاشی (بنارس) خودم را کشف کردم و به وسیله راماننده بیدار شدم.»^{۱۲} در آغاز کبیر از مریدان راماننده بود؛ اما سرانجام از او جدا شد و به

^۱- Kay, F.E., *Kabir & His Followers*, P.6.

^۲- Kabirpān̄thi

^۳- Aggarwal, Giriraj Sharan, *Mahatma Kabir (His Life & Poetry)*, P.9.

^۴- Maghar

^۵- Kāṣi

^۶- Belhārā

^۷- Aggarwal, *Ibid*, P.9.

^۸- Karki, Mohan Singh, *Kabir*, P.v.

^۹- Safra, "Kabir", P. 671.

^{۱۰}- Karki, *Ibid*, P.xv.

^{۱۱}- جلالی نائینی، *طریقه گورو نانک و پیدایی آیین سیک‌ها*، ص ۱۶.

^{۱۲}- همو، همان، ص ۱۶.

رواج موعظه، اندیشه‌ها و افکار خویش پرداخت.^۱ در زمان شاگردی‌اش در کنار راماننده در بحث‌های فلسفی و عقیدتی استادش با دیگر بزرگان هندویی و مسلمان شرکت کرد. شاید آشنایی او با اصطلاحات صوفیانو فلسفی و هندویی، در این زمان است.^۲

تعلیماتی که کبیر از معلمان روحانی خود فرا گرفت همه شفاهی بود و به نظر می‌آید که او به زبان‌های ادبی فارسی و سانسکریت وقوف نداشت و فقط از راه گوش و محاوره و گفتگو اصطلاحات عرفانی و فلسفی و زبان‌های مورد نیاز را آموخت.^۳ تنها حرفه‌ی او بافندگی بوده است. در تصاویر بسیاری او را پشت دستگاه بافندگیشان داده‌اند در حالی که پیروانش را راهنمایی و ارشاد می‌کند. این تصویرها ظاهراً نشان‌دهنده فلسفه‌ی اوست و این مفهوم را می‌رساند که هر فرد باید حین زندگی کردن، کار کند.^۴

کبیر هم مانند دیگران ازدواج کرد و در طول زندگی‌اش، به صورت یک مرد متأهل زیست. او به زندگی در چهارچوب خانواده بسیار معتقد بود.^۵ وی سفرهای متعددی در طول و عرض هندوستان و کشورهای همسایه داشت. تنها یک هدف برای این سفرها وجود داشته و آن ترویج آیین بهکتی در سرتاسر هند است.^۶ کبیر در سرتاسر زندگی‌اش برای بیدار کردن ذهن مردم و آشنا کردن آنها با بهکتی، به هر جایی سفر کرد. کبیر می‌خواست آنها را به مسیری که خود کشف کرده بود، هدایت کند. اما مسیر صداقت، اعتقاد و ایمان او مانند تمام مردم نبود. او در سفرهایش تلاش کرد مردم را آگاه کند و آنها را به مسیر پرهیزکاری و تقوا هدایت کند. مریدان کبیر در آخرین سفر بعد از شنیدن مشکلات و سختی‌های راه از او خواستند از ادامه دادن سفرها خودداری کند.^۷

نکته کلیدی در مطالعات کبیر، اطاعت او از رهبران روحانی بود. در واقع او از همه راهنمایی می‌خواست تا حقیقت را پیدا کند و روح مقدس و راستین گورو را دریابد. او می‌خواست یکی را پیدا کند که مریدش باشد و عاقلانه از

^۱- تاپار، همان، ص ۴۱۳.

^۲- Tagore, Rabindranth, *One Hundred Poems of Kabir*, P. 5.

^۳- تاپار، همان، ص ۴۱۳.

^۴- Radha Krishna, S., *Indian Philosophy*, P.118.

^۵- Singh, G., *Philosophy of Sikh Religion*, Vol.1, P.xxiv.

^۶- Chilara, Raywant, *International Bibliography of Sikh Studies*, P.42.

^۷- Jones, Constance, & James D. Rayan, "Kabir", *Encyclopedia of Hinduism, Encyclopedia of world Religion*, P.219.

هدایت و رفتار او سود برد. به همین دلیل هرگز مدعی اطاعت از گفتار خودش نبود. این مسأله باعث شد تا او به سمت یک سیستم مذهبی حرکت کند.^۱

بی شک کبیر بیشترین تأثیر را از راماننده گرفته است، با این تفاوت که کبیر به جای انتخاب بین آئین هندو یا اسلام بهترین اصول و موعظه‌ها را در مکتب خود به کار برد و آنرا «ساجه یوگه»^۲ یا «وحدت سازه» نامید.^۳ هدف کبیر در تعلیماتش بیان کردن تفکرات اسلامی و آموزه‌های راماننده بود.^۴ وی شخصاً و عمیقاً تحت تأثیر اخلاص گرایی و پارسامنتی ویشنویی بود. کبیر در دین هندویی در شمال هند از شهرت و محبوبیتی نسبی برخوردار بود.^۵ او با تأثیرپذیری از دین هندویی، عقیده به تناسخ و قانون کرمه را پذیرفت و نظام طبقاتی کاست و بت پرستی را رد کرد.^۶ تنها شکلی که او از زیارتگاه هندو اقتباس کرد و به کار برد، نقشکریشنا بود. او این اعتقاد را پیدا کرد که کریشنا نوعی از صداها و موسیقی آسمانی است که در جسم ظهور کرده است.^۷ او شدیداً تحت تأثیر اسلام بود.^۸

در واقع کبیر به دنبال پیشوایان قبلی، بر طریقه عشق و اخلاص با تأکید فراوان گفت: «تنها راه رهایی از تناسخ مکرر این است که بشر، خدا را از صمیم قلب دوست داشته باشد و روحش از عشق به او لبریز گردد. رستگاری از طریق کسب علم یا اعمال نیک حاصل نمی آید، بلکه با ایمان خالصانه محقق می شود». کبیر با تأثیر از این حقیقت سیراب شد و توجهی به علم ظاهرینکرد. او در جستجوی علم باطن و فرا گرفتن معرفت و علم اعلی یا عرفان هندی «پاراویدیا»^۹ بوده است.^{۱۰}

اولین مجموعه معتبر از سروده‌های او به نام «اسلاک‌ها»^{۱۱} در گرانته صاحب^{۱۲} آمده است.^{۱۳} مهمترین اشعار کبیر معمولاً به وسیله مریدان و پیروانش خوانده و حفظ و با کمی تأخیر نوشته می شدند. در این امر تحریف زیادی صورت

^۱ - Monier, Williams, *Religious Thought and Life in India*, P.161.

^۲ - Sāhāja Yoga

^۳ - Safra, "Kabir", P.350.

^۴ - Rizvi, *Ibid*, P.315.

^۵ - بر، رابرت، *جهان مذهبی در جوامع امروز*، ج ۱، ص ۲۷۰.

^۶ - همان، ص ۲۷۲.

^۷ - Tagore, *Ibid*, P.88.

^۸ - چند، تارا، *تأثیر اسلام در فرهنگ هند*، ص ۳۴۸.

^۹ - Pārāvidyā

^{۱۰} - Burn, R., "Kabir", *The Encyclopedia of Religion and Ethics*, Vol.7, P.33.

^{۱۱} - Slāks

^{۱۲} - Grānt Sāhib

^{۱۳} - Das, G.N., *Saying of Kabir*, P. 66.

گرفت بالطبع اشعار زیادی را به او نسبت دادند. اشعاری که در *آدی گران* آمده شامل پانصد و چهل و یک سرود تحت عنوان «کبیر گران والی»^۱ دارای اعتبار فراوانی است.^۲

کبیر کتاب دیگری به نام «بیجک»^۳ دارد که «کتاب حکایت» هم نامیده می‌شود، این کتاب شامل اشعار و مشاهدات اوست و به وسیله یکی از پیروانش به نام «بهگوداس»^۴ کامل شد. همچنین اشعاری به نام «پاداش» و دوبیتی‌های ریتمیک به نام «دوهاس»^۵ دارد که گاهی اوقات آنرا «کلمات سابداس»^۶ و یا «شواهد ساک‌هیس»^۷ نامیده‌اند. یک سری از این اشعار به یاد ماندنی در بین افراد به زبان شمال هند تکرار شد و بعد از مرگ وی، تکرار این دوبیتی‌ها و جملات شدت بیشتری گرفت.^۸

از مهمترین ویژگی آثار و اشعار کبیر این است که او توانست تفکرات مختلف را با هم ترکیب کند.^۹ احساساتی که کبیر در اشعارش بیان کرده است تأثیر عمیقی در سرتاسر هند در اواخر سال ۱۶۰۰ میلادی داشت. این احساسات شامل آیین بهکتی بود که از آن به عنوان بهترین وظیفه مذهبی تمجید کرده است.^{۱۰} در بخش شعرهای ترجمه شده، جنبه‌های متفاوتی از تفکر کبیر و احساسات عرفانی او را شرح می‌دهد، از جمله خلصه، نومییدی، سعادت جاودانی، اشتیاق به از خودگذشتگی، دید عمیق و گسترده از جهان. او با این احساس عاشقانه به خدا اشعار متوازن زیبایی را سرود.^{۱۱}

کبیر را به عنوان بنیانگذار ادبیات هند مطرح کرده‌اند. غزل‌های کبیر در میان مردم دهان به دهان گشت و کسانی از جمله نانک از سرودهای وی الهام گرفته و فرقه‌ی نیرومندش را بنیان گذارد.^{۱۲} بعضی از اشعار کبیر در متون مقدس

^۱ - Kabir Grānt Wāli

^۲ - Singh, Shukder, *The Bijak of Kabir*, P. 30.

^۳ - Bijak

^۴ - Bhago Dās

^۵ - جلالی نائینی، *طریقه گورو نانک و پیدایی آیین سیک‌ها*، ص ۲۸.

^۶ - Dohās

^۷ - Sāb Dās

^۸ - Sākhis

^۹ - Doniger, Wendy, *Merriam-webster's Encyclopedia of Religion*, P.626.

^{۱۰} - Tagore, *Ibid*, P. 11.

^{۱۱} - Monier, *Ibid*, P.115.

^{۱۲} - Carlye, Scotte, *David, Kabir: Mediviel Indian Saint*, Vol.2, P. 106.

^{۱۳} - دورانت، ویل، *تاریخ تمدن: اصلاح دینی*، ج ۱، ص ۶۵۸.

سیک آورده شده است.^۱ کبیر در سخنان پر شور خود، به زبان ساده محلی، نه به زبان سانسکریت ترکیبی عالی از افکار هندوئی و اسلام را نشان داده است.^۲

کبیر چون دوره سیر آفاق و انفس را طی کرد، به بنارس بازگشت و در آن شهر به تعلیم و نشر عرفان پرداخت. تعلیمات کبیر مستقل بود. او شاید مشربی خارج از مشرب مشایخ صوفیه مسلمان و عرفای هندو بوجود آورد اما روش او بیشتر شبیه علما و صوفیان مذهب شیعه بود. او با دیدی آزاد، به مسائل مذهبی نگریست. به همین خاطر در آغاز کار آنان به مقابله با کبیر پرداختند، ولی بعدها با آشنایی بیشتر به تعلیم وی، از دشمنی با او دست برداشتند.^۳ کبیر بعضی از این مفاهیم عرفانی را به زبان «باهاسا»^۴ بیان کرد.^۵ در تاریخ دینی هند، او نخستین تعلیمات خود را از اصول هندویی و اسلام در شمال هند معرفی کرد. پیروان هندو و مسلمانان او را به عنوان نخستین متفکری که سعی داشت هم بر هندو و هم مسلمانان تأثیر بگذارد، می شناسند.^۶

تمامی کوشش کبیر در آن بود که مذهب هندو و اسلام را آشتی دهد. مبلغان جنوب هند، بعضی افکار اسلامی را جذب کردند، اما کبیر اولین کسی بود که قدم پیش گذاشت و مسلکی تازه را در میان آن دو ارائه کرد، راهی در میان دو مذهب که در عین حال متأثر از هر دو است.^۷ مهمترین نکته در تعلیم او این بود هر مرد یا زنی که ایمانی عاشقانه و خالص نسبت به خدا دارد، طبقه و موقعیت او در زندگی اهمیتی ندارد.^۸ شکی وجود ندارد که آموزش های کبیر نقش مهمی در سراسر هند در قرون پانزدهم و شانزدهم میلادیداشت. چرا که اصل جنبش سیک را در پنجاب تشکیل داد و گفته های کبیر توسط گورو نانک و پیروان وی تکرار شد.^۹

^۱ - ویر، همان، ص ۵۹.

^۲ - بایر ناس، همان، ص ۳۰۴، / مشکور، محمدجواد، خلاصه ادیان در تاریخ دین های بزرگ، ص ۴۸ / ویر، همان، ص ۵۹.

^۳ - جلالی نائینی، *طریقه گورو نانک و پیدایی آیین سیک ها*، ص ۲۷.

^۴ - Bāhāsā زبان عامه فهم آن زمان و رایج در میان تامیل ها بود. این زبان در ادبیات قرون وسطی هندی با جنبش بهکتی ترکیب شد و اشعار عاشقانه، عارفانه و حماسی آن دوره را به وجود آورد. / Sullivan, "Bahasa", *Ibid*, P.37.

^۵ - جلالی نائینی، همان، ص ۲۷.

^۶ - Burn, *Ibid*, P.33.

^۷ - چند، همان، ص ۲۱۶.

^۸ - Rizvi, Sayid Attar Abbas, *A History of Sufism Indian*, P.377.

^۹ - Monier, *Ibid*, P.161.

جنبش تاریخی بهکتی از طریق کبیر سازماندهی شد و او به عنوان معلم مذهبی این جنبش مطرح شد. تعلیمات بهکتی کبیر تنها محدود به منطقه‌ی هند نبود بلکه گستره آن به معنویت و حوزه مذهبی با جریان‌های مختلف دیگری در شمال کشمیر، پنجاب، ماهاراشترا^۱ و گجرات نیز کشیده شد.^۲

کبیر از نظر سیک‌ها، مبلغی بود که نانک را برای پایه‌گذاری دین جدید تعلیم داد. از نظر مسلمانان او جایگاه خاصی در سیطره صوفیان دارد و از نظر هندوها او یک ویشنوی با آموزه‌های جهانی است. کبیر به خلوص درون‌یاعتقاد داشت.^۳ از نظر او خدا یکی است، خواه او را به نام «الله» پرستش کنیم، خواه با نام «راما». کبیر پیرو «راما» و «الله» بود.^۴ وی «راما» هندی و «الله» اسلامی را یکی دانست.^۵ او حتی «راما» و «رحیم» را یکی دانست و اختلاف اسامی را فقط بازی الفاظ بیان کرد و معتقد بود می‌توان خدا را به هر نامی خواند، در واقعیت او تأثیری نخواهد داشت.^۶

از مهمترین اعتقادات کبیر پیوستگی میان جنبه‌های شخصی انسانیا ذات کیهانی و الهی است. او از احساساتی بودن می‌گریخت و اعتقاد داشت پرستش انسان ناشی از مکتب فکری و شخصیت الهی است، به خصوص شخصیت‌های تجسم یافته مانند کریشنا که در آئین هندویی دیده می‌شود.^۷ اگرچه عشق فهمیدنی و دیدنی نیست اما همیشه در قلب انسان ساکن است. کبیر معتقد است برای رهایی از شک و تردید تنها باید به ذکر خدا، که تنها وسیله نجات است، مشغول بود.^۸ از نظر او روزه گرفتن و خواندن دعا بدون عشق و اعتماد کامل بی‌فایده است.^۹ او طریقه بهکتی را راه رستگاری دانست و هر مذهبی را بدون در نظر گرفتن طریقه بهکتی کامل نمی‌شمرد.^{۱۰}

از نظر کبیر عشق عاملی است که دنیای فانی و غیر فانی را با هم متحد می‌کند.^{۱۱} با توجه به حمایت بسیار زیاد کبیر از جنبش نوبهکتی، طریقه بهکتی را تنها راه رستگاری دانست و رهایی از این دنیا را بدون طریق بهکتی میسر

^۱ - Māhārāṣṭrā

^۲ - Vivekdas, *Global Influence*, @ www.Kabirchaura.com.

^۳ - Singh, Brar, Sikhism and other Religious, Sufism, @ www.Sikhs.Org.

^۴ - شاله، فلیسین، *تاریخ مختصر ادیان بزرگ*، ص ۱۴۷.

^۵ - Geden, A., *Studies in Religions of East*, P.386.

^۶ - جلالی نائینی، *طریقه گورو نانک و پیدایی آیین سیک‌ها*، ص ۲۹.

^۷ - Tagore, *Ibid*, P.74.

^۸ - Rizvi, *Ibid*, P.380.

^۹ - Hess, Linda, "Indian Poetry", *The Encyclopedia of Religion*, Vol.11, P.376.

^{۱۰} - Chandreek, K.L., & M.K. Jai, *Sant Kabir: Life and Philosophy*, P.208.

^{۱۱} - Das, G.N., *Love Songs of Kabir*, P.150.

نمی‌دانست.^۱ او عمیقاً یکتاپرست بود اما به «کرمه» و «سمساره» اعتقاد داشت.^۲ او نظریه تناسخ را فقط به این خاطر پذیرفت که باید همه برای رهایی از زنجیره‌ی تولد و مرگ دعا کنند.^۳ کبیر با توجه به اعتقاد برابری انسان‌ها، نظام طبقاتی را محکوم کرد و همه‌ی مردم را از هر نژاد و مذهب و هر جنسی، برابر دانست. او هیچ برتری انسانی را با هر دین و مذهبی بر ادیان و یا مذاهب دیگر ترجیح نداد و افکار خود را بدون ترس اظهار کرد.^۴ به هر حال بنابر ادعای اکثر محققان، کبیر به تناسخ معتقد بوده است. تناسخ یک ویژگی در نظرات کبیراست، هر چند پیروان مدرن کبیر معتقدند روح وارد بهشت یا جهنم، میان دوره‌ای با تولد مجدد خواهد شد.^۵

سنت بهکتی و نوبهکتی

با توجه به مطالب بیان شده درباب زندگی کبیر و عقاید کلی وی جای دارد درمورد بهکتی و ریشه آن و همچنین نهضت نوبهکتی توضیحاتی داده شود تا به تأثیر کبیر بر این نهضت برسیم. در آئین هندو هر انسانی باید یکی از سه طریق رستگاری و نجات را از مصائب زندگی انتخاب کند. آن سه راه عبارت است از:

۱- راه عقلانی و معرفت (جنانه مارگه)^۶ در رابطه با وحدت وجود،

۲- راه عبادت خالصانه (بهکتی مارگه)^۷ نسبت به خدای مورد علاقه‌ی خود،

۳- راه عملی (کرمه مارگه)^۸ این شیوه در قوانین و آداب تشریفاتی مقرر گردیده است.^۹

واژه بهکتی^{۱۰} از ریشه فعلی بهاج،^{۱۱} به معنای «شرکت دادن»،^{۱۲} «مشارکت دادن» یا «متعلق بودن» و همچنین «پرستیدن» است.^۱ در تعریف اصطلاحی بهکتی، آن‌را به‌عنوان اعمال دینی یا سرسپردگی نسبت به یک خدا می‌دانند.^۲ از خود

^۱-جلالی نائینی، همان، ص ۲۳.

^۲- Gohba, Indian Religion: Overwieve", *The Encyclopedia of Religion*, P.175.

^۳-دورانت، همان، ص ۶۵۸.

^۴-Thiel - Horstman, *Image of Kabir*, P.208.

^۵-Das, G.N., *Couplets from Kabir*, P. 98.

^۶- Janāna Mārga

^۷- Bhakti Mārga

^۸- Karma Mārga

^۹- جوادی نیا، *گورو نانک و اسلام: پژوهش در دین و آیین سیک*، ص ۳۵.

^{۱۰}- Bhakti

^{۱۱}- Bhāj

^{۱۲}- Sullivan, "Bhakti", *op.cit*, P.38.

گذشتگی (یا زهد) شاید در برگیرنده‌ی حالات شوریدگی است که اغلب از اصطلاح بهکتی بر می‌آید و اکثراً در بطن معنای عام «عشق»^۳ نهفته است.^۴ بهکتی در معنای حس پرستش به خدا برای اولین بار در شوتش و تره اوپنیشاد^۵ استفاده شده است.^۶ کامل‌ترین بیان از بهکتی اولیه به‌عنوان یک راه از جوهر دین، در بهگودگیتا آمده است.^۷

نهضت طریق عشق در جنوب هند به وجود آمد. مبانی این طریق عشق در سرودهایی مملو از شوق عرفانی و مشحون از احساسات، از مهری بی‌آلایش منعکس است. این سرودها سراسر جنوب هند را فرا گرفت و چنان شور و هیجانی به پا کرد که منشأ الهام‌بخش عده‌ای از دانشمندان بزرگ نظیر رامانوجا گردید.^۸ سنت کهن و باستانی نوبهکتی در آثار آوارها^۹ در جنوب هند، در میان تامیل‌ها وجود دارد. برخی ادعا کرده‌اند که کهن‌ترین آنها به زمان‌های پیش از ودها تعلق دارد. آخرین آنها را می‌توان در حدود قرن هفتم و هشتم میلادی یافت.^{۱۰} جنبه‌ی برجسته‌ی عرفان قرون وسطایی هند، استقلال کامل آن از سازمان‌های دینی و کتاب‌های مقدس است.^{۱۱}

جنبش نوبهکتی در شمال هند قیامی علیه تفاوت طبقاتی میان هندوها بود.^{۱۲} مکتب نوبهکتی، هندوها و مسلمانان را به یکدیگر نزدیکتر ساخت و در هر بخش کشور قدیسانی پیدا کرد. گفته شده بعضی از قدیسان نوبهکتی با اینکه به مکتب نرفته بودند اما سرودهای روحانی خود را با لهجه‌ی عوام‌الناس تنظیم می‌کردند.^{۱۳}

^۱-Carman, J.B, "Bhakti", *The Encyclopedia of Religion*, Vol.2, P.130.

^۲- Sullivan, "Path of Devotion", *op.cit*, P.156.

^۳- Love

^۴- Carman, *Ibid*, P.130.

^۵- Śvetaśvatara Upaniṣād

^۶- Sullivan, "Bhakti", P.38.

^۷- Idem, "Path of Devotion", P.156.

^۸-هیئت تحریریه، *انسان کامل از دیدگاه بودا، یوگا، بهکتی*، ص ۷۴.

^۹- Ālvārs: عده‌ای از سنت‌های وایش‌ناوا (Vāish Nāvā) از اهالی ایالت تامیل در جنوب هند بودند، که بین قرون هفتم تا نهم میلادی می‌زیستند. آنها ۱۲ روحانی از همه‌ی طبقات جامعه بودند که شعرهای خود را برای ویشنو می‌سرودند که هنوز هم آن اشعار را حفظ کرده‌اند. آنان خداوند را به‌عنوان موجودی برتر با اشعار عرفانی می‌ستودند و همواره به دنبال کسب لطف و عشق او بودند. آنان خداوند را به نام‌های مختلفی مانند نارایانا، رامه، کریشنا و ... می‌نامیدند. این روحانیون مورد احترام عامه مردم بودند و اشعارشان را در معابد و خانه زاهدان با صدای بلند می‌خواندند. / Sullivan, "Alavars", *op.cit*, P.23.

^{۱۰}-سن، ک.م.، *هندوئیسم با گزیده‌ای از متن هندو*، ص ۱۱۵.

^{۱۱}-همان، ص ۱۲۲.

^{۱۲}-جلالی نائینی، *طریقه گورو نانک و پیدایش آئین سیک*، ص ۱۴۲.

^{۱۳}-همان، ص ۱۳۰.

بر طبق سنت، نوبهکتی جریانی سرشار از شعر و غزل عاشقانه را به وجود آورد.^۱ احیا و بیداری مذهبی در جنوب هند و گسترش جنبش بهکتی، موجب مقاومت هندیان در برابر تبلیغات مذهبی بیگانه، خصوصاً اسلام، شد.^۲ با این همه نوبهکتی تسلیم شدن به اراده‌ی پروردگار و همچنین جذب شدن در ذات او و نیاز به راهنمایی مرشد و معلم را از اسلام بالاخص از صوفیه تأثیر پذیرفته است.^۳ البته تسلیم نظر مرشد بودن یک اعتقاد کهن هندی نیز هست.^۴

نهضت نوبهکتی ابتدا در پیرامون دو خدا، ویشنو و شیوا، تمرکز یافت.^۵ تعالیم نوبهکتی از هندوئی ویشنویی جدید به وجود آمد و در کمتر از صد و پنجاه میلیون از قوانین هندی تفسیر شده است. کتاب دینی جدید هند از آن شیوایی - هاست که اساساً به مکان خاصی محدود شده است ولی فقط یک فرقه جداگانه از ویشنویی به نام سایواست که تعالیم نوبهکتی را به عنوان تعالیم مستقیم گردآوری شده، تعلیم می دهند. جایگاه فرقه سایوایی در هند در طول شرق جغرافیایی بنارس واقع شده است.^۶

مذهب فلسفی نوبهکتی بر اساس یگانه پرستی و احترام به فرقه ها و مذاهب دیگر است. البته نهضت نوبهکتی ارزشی برای آداب دینی باستان قائل نمی شد و به تقسیمات کاست اعتنایی نمی کرد. این امر برهمنان را خشمگین می ساخت. از طرف دیگر برخی جنبش های نوبهکتی در بعضی مواقع شدیداً از مذهب عامه متعلق به معابد انتقاد کرده اند.^۸ پیروان نوبهکتی نه منکر اقتدار و دها بودند نه تقدیس و پرستش بت ها و نه مخالف ترک دنیا.^۹ آنها از تمام طبقات جامعه هندو بودند ولی وفاداری آنها به یک خدای خاص با یکی از تجسدهای او نبود.^{۱۰} نهضت نوبهکتی آداب و رسوم را طرد کرد و چهارچوب عبادی موجود در آن زمان را برهم زد، تا حدی که به تدریج نوبهکتی خود مذهب تازه ای شد.^{۱۱}

^۱ - سن، همان، ص ۱۱۶.

^۲ - Gohba, Ibid, P.175.

^۳ - Hussain, *Sufism and Bhakti Movement: Eternal Relevance*, P.144.

^۴ - چند، همان، ص ۱۶۳.

^۵ - سن، همان، صص ۱۱۳-۱۱۵.

^۶ - Sāivā

^۷ - Grierson, G., "Bhakti", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, P.539.

^۸ - Carman, Ibid, P.131.

^۹ - Singh, G., *Ibid*, P.xxiv.

^{۱۰} - Grierson, "Bhakti", P.550.

^{۱۱} - بایر ناس، همان، ص ۲۶۲.

بزرگترین کتاب مشهوری که روش اخلاص بهکتی را در عالم ادبیات دینی هندوان ثابت و مقرر نمود رساله‌ی معروف بهگودگیتا یا نعمات کریشنا است که یکی از کتب کلاسیک مذهب هندو به شمار می‌آید.^۱

سرتاسر سرود دوازدهم گیتا به بهکتی اختصاص دارد. گیتا، بهکتی را بر دو طریقت دیگر ترجیح می‌دهد، زیرا طریقت آنها که بر اصل ناپیدا تمرکز و مراقبه می‌کند دشوار است.^۲ راز تاریخی عظیمی که در گیتا نهفته همانا اثبات این قضیه است که راه حقیقی نجات و رستگاری در طریقه‌ی خلوص بهکتی قرار داد.^۳

نهیضت نوبهکتی بر اساس ایمان، اعتقاد قلبی به اصول و فروع همراه با عشق و محبت برپا گردیده است.^۴ در این طریق سالک می‌کوشد تا به مدد التهابات عرفانی و جذبات الهی گام بر مسیر کمال بگذارد. سالکی که راه عشق و محبت را برای نیل به کمال انتخاب می‌کند، همواره روی به معبود و معشوق خود دارد و می‌کوشد الفتی خاص برقرار کند. همین انس و الفت او را به سوی دیگران سوق می‌دهد؛ در این طریقه کوشش‌ها و مشقاتی که برای ریاضت‌جویی به کار می‌رود دیگر حالت خشک و خسته کننده ندارد. در واقع فرق میان این طریق با راه‌های دیگر در این است که در این طریق سالک خود را تسلیم اراده حق تعالی می‌کند و کمتر به ریاضت‌های توان‌فرسا دست می‌زند. چرا که راه عشق و محبت به آسانی می‌تواند آدمی را به سوی کمال بکشاند. خصائل چون بخشش، ترحم، همت، شکیبایی، مراقبه، تفکر و فرزاندگی از جمله اموری هستند که برای نیل به کمال در این زمینیه کار می‌رود. عشق و محبتی که در این طریق به عنوان راه نجات شناخته شده، عاری از هر گونه ریاکاری و کینه‌توزی است.^۵

عالی‌ترین شکل بهکتی نه تنها باید شامل معبود در بالاترین مرتبه باشد بلکه باید شامل موجودات دیگری که تجسم او هستند نیز شود. هدف معبود از تجسم یافتن در قالب چیزهای دیگر، عطوفت خالص به متعالی‌ترین معنای آن است.^۶ زبان دینی این راه، پرستش و ایمان به والاترین یار تا به برترین تجربهرسیدن است. این مکتب چندان سر و کاری با

^۱- بایر ناس، همان، ص ۲۶۳.

^۲- شایگان، *ادیان و مکاتب فلسفی هند*، ص ۳۸۸.

^۳- بایر ناس، همان، ص ۲۶۳.

^۴- Grierson, "Bhakti", P.539.

^۵- هیئت تحریریه، همان، ص ۶۰.

^۶- Grierson, "Bhakti", P. 539.

پیچیدگی‌های الهیاتی ندارد.^۱ بهکتی در مکاتب دیگر هندی در معنای اعتقاد به خداوند نیز به کار رفته است. اعتقاد به خداوند اشکال بی‌شماری دارد. نوبهکتی حالت الهی دارد.^۲ بهکتی رابطه مبنی بر خداشناسی بین مرید و خداست.^۳

از نظر بهکتی یک حرکت معنوی بین خدا و انسان وجود دارد. یک حرکت معنوی که هم تأثیرگذار و هم دربرگیرنده‌ی هر یک از اجتماعات خاص مریدان است و همچنین یک حرکت در بستر زمان که در قالب داستانی مقدس از آن یاد شده است.^۴ نوبهکتی فقط به معنای مشارکت با خداوند نیست بلکه به عنوان نوعی مشارکت دو جانبه بین مریدان و سرسپردگان خدا نیز می‌باشد.^۵

در آئین نوبهکتی نکات مثبتی به چشم می‌خورد که اشاره به آنها ضروریست. یکی از آن نکات مثبت توجه این آئین به مسأله «عشق و محبت» است. موجودی که در وادی عشق بیافتد و خود را از ناخالصی‌ها و ناپاکی‌ها دور سازد اشراق بر وجودش پرتو افشانی خواهد کرد به طوری که هیچ‌گاه به وسیله عقل از چنین نعمتی برخوردار نخواهد شد. عشق به انسان گرمی و حرارت می‌بخشد و بسیاری از افسردگی‌ها را از انسان دور می‌سازد. موجودی که از عشق تهی باشد موجودی است سرد و بی‌روح. در مسیر کمال مشکلاتی وجود دارد که هرگز با پای عقل آنها را نمی‌توان پشت سر نهاد. عقل نمی‌تواند انسان را آنچنان سازد که بتواند بر همه‌ی موانع غلبه پیدا کند. این تنها عشق انسان است که می‌تواند هر دشواری را آسان گرداند و به انسان آنچنان نیرو و شور و هیجان بدهد که یارای مقاومت در برابر هر مشکلی را داشته باشد. آئین بهکتی مانند دیگر آئین‌های هندی فقط به ساخته شدن فرد توجه دارد.^۶

برای خالص بودن، افراد باید تسلیم محض او باشند. یعنی فرد عامل، پیش خود بگوید هر آنچه من انجام می‌دهم، چه با اراده و چه بدون اراده‌ی شخصی‌ام همه و همه تسلیم تو هستم. بر این مبنا اعمال و رفتارهای نیک که به قصد کسب نتایج نیک در آینده، انجام می‌پذیرند، منجر به بهکتی نخواهد شد، بلکه بیشتر به اسارت می‌انجامد.^۷ پیروان بهکتی، نجات و رستگاری (مُکشه) را مبتنی بر رهایی کامل از سمساره^۸ و کرمه^۱ و نتایج ناشی از آن دو می‌دانند.^۲ درست

^۱-سن، همان، ص ۱۱۳.

^۲- Carman, Ibid, P.130.

^۳-Safra, "Bhakti",P.185.

^۴- Carman, Ibid, P.13.

^۵-Carman, Ibid, P.131.

^۶-هیئت تحریریه، همان، ص ۶۱.

^۷- Schomer, K., & W.H. Mcleod, *The Saints Studies in a Devotional Tradition of India, Berkeley Religions Studies Series*,P.60.

^۸- Samsāra

همان گونه که انسان در چرخه تولدهای مکرر گرفتار است معتقدند عالم نیز در زمانی بسیار طولانی در چرخه‌هایی از خلق جدید سیر می‌کند و نقش خدا در کیفیت این دوران متفاوت است. وضعیت‌هایی که پس از حصول به مکشه حاصل می‌آید مورد تعمق مذاهب و مکاتب گوناگون بوده است و در برخی آرا با وحدت‌گرایی که نامیرایی انسان و با برهنن یکی شدن و همچون قطره در اقیانوس محو شدن است، او نیز در برهنن مستغرق می‌گردد. در طرفدیگر طیف خداباورانی قرار دارند که معتقدند نفس نامیرای انسان همواره در یک رابطه زایل نشدنی با خدا ادامه حیات می‌دهد.^۳

رشد تاریخی سبک‌های مختلف بهکتی در شکل‌های جدید، از طریق اشعار و شاعران قرون وسطایی در شمال هند مطرح شد. در دوره قرون وسطی توجه کمی به ترکیبات مذهبی و ایدئولوژی‌های اجتماعی در نوشته‌های نوبهکتی صورت گرفته است. با این حال، در برخی از حرکات و تحولات نوبهکتی، مخصوصاً در اشعار و علم الهیات یک یا چند تفسیر از نظام سیستم اجتماعی بیان می‌شود.^۴ دو گروه از روحانیونشاعر که یکی از آنها «آلوارها» بودند از قرن ششم تا نهم میلادی در مورد اوتاره‌های ویشنو شعر می‌خواندند و دیگری «ناتانامارها»^۵ که از قرن ششم تا دوازدهم برای شیوا شعر می‌سرودند^۶

مشهورترین این فرقه‌ها نیز تجسمات خدای ویشنو بالاحص کریشنا را مورد توجه و تمرکز اصلی خویش قرار دادند. این فرقه‌ها پاسخی از یک دین هندوئی تجدید حیات یافته در مقابل معارضه‌ی روحانیون بود که از گرد آمدن مؤمنین به منظور گوش سپردن به سرودهای تمجید خدایان به زبان‌های ساده و قابل فهم همگان تشکیل یافت.^۷ شکل جدیدی از نوبهکتی، همراه با آوازاها و سرودهایی به زبان‌های مرسوم عامه مردم بود و با علایق هیجانی و عرفانی تغییر زیادی یافت و روابط میان عابد و معبود و الوهیت، اغلب به عنوان گفتگوهایی میان عاشق و معشوق توصیف شد.^۸

^۱ - Karma

^۲ - Mohony, K. William, "Karma", *The Encyclopedia of Religion*, Vol.8, P.262.

^۳ - هینلز، *ادیان زنده شرق*، ص ۱۱۶.

^۴ - Mittal, S., & G. Thursby, *Hindu world*, P. 200.

^۵ - Nātānāmārs

^۶ - Shattuck, Cybelle, *Hinduism*, P.60.

^۷ - هاردی، فرید، *ادیان آسیا*، ص ۴۲۲.

^۸ - Safra, "Bhakti Movement", *The new Encyclopedia of Britanica*, Vol.2, p.276

مع هذا هر دو سنت جایگاه خاصی به این منطقه جغرافیایی دادند، سگونه بهکتی خدایی دارای تشخص و دارای صفات *With Attributes* پرستش می شد. پیروان این شاخه از بهکتی، بیشتر تجسمات الهه ویشنو (اوتاره‌ها)، بالاخص کریشنا و راما را محور توجه و تمرکز اصلی خویش قرار می دادند و نیرگونه بهکتی‌خدایی غیر شخصی و مطلق را می پرستیدند. این فرقه تحت تعالیم عده ای از مصلحین هندو که به نام سنت ها (sants) شناخته می شدند به وجود آمد.^۱

جایگاه کبیر در نهضت نوبهکتی

حال به بررسی بزرگترین شخصیت‌های تأثیرگذار بر نهضت نوبهکتی می‌پردازیم.

رامانوجا یکی از حکما و فیلسوفان بزرگ «ودانته»^۲ بود. او در قرن یازدهم میلادی در روستای «بهوتاپوری»^۳ در ایالت تامیل در جنوب هند در خانواده ای از طبقه برهمن متولد شد. رامانوجا نخست شاگرد یکی از حکمای پیرو مکتب «شنکره»^۴ بود. ولی چون به الاهی ویشنو علاقه داشت، به آیین «بهگوته» گرایش پیدا کرد. به همین خاطر طریقه آیین شنکره را کنار گذاشته و طریقه بهکتی را برگزید و از تعالیم اساتیدی در این مکتب استفاده کرد.^۵ رامانوجا بیشتر به ایمان و شور و اخلاص (بهکتی) اهمیت می‌داد. اهمیت رامانوجا در تاریخ معنویت هند در این است که وی کوشید تا به آئین ستایش ویشنویی که در سرودهای عرفانی آوارها به شیوه‌ی شاعرانه نمایان شده بود، نظام ببخشد و به این

^۱ - شایگان، *ادیان و مکاتب فلسفی هند*، ج ۲، ص ۷۹۰.

^۲ - Vedanta، این واژه در لغت به معنای انتهای ودا است و مقصود از آن مبادی فلسفی است که در اوپه‌نیشادها ذکر شده است. ودانته شامل پنج مکتب است که توسط شنکره، نیمبارکه، مدهاوه و ولبهه تبیین شده است. /Sullivan, "Vedanta", *Ibid*, P.239.

^۳ - Bhātapuri

^۴ - Shankara، یکی از اولین شخصیت‌هایی که در داخل آئین هندو، سعی در گسترش اندیشه‌ی توحیدی داشت، استاد شنکره بود. او به مبارزه با بودائیان و ثنوی‌ها پرداخته عقاید آنها را بهم ریخت. در حقیقت کار عمده شنکره تمایلات یکتاپرستی اوپه‌نیشادها را بسط و ترویج داد و به عقاید و آراء برهماسوتره سازمان بخشید. البته لازم به ذکر است که شنکره به طریقه بهکتی گرایشی نداشت و فقر می‌توان از او به عنوان گسترش دهنده‌ی یکتا پرستی اوپه‌نیشادی، یاد کرد. / شایگان، *ادیان و مکاتب فلسفی هند*، ص ۷۸۲.

^۵ - شایگان، *ادیان و مکاتب فلسفی هند*، ص ۷۹۰.

نحوه تفکر ویشنویی را در مقابل یکتاپرستی مطلق شنکره که کوچکترین توجهی به عشق و محبت مبذول نمی‌داشت، به صورت یک مکتب فلسفی و نظری در بیاورد.^۱

کبیر از رامانوجا در زمینه آداب یوگا، اصل تمرکز معنوی، قدرت ریاضت و خلوت‌گزینی تأثیر پذیرفته‌است. کبیر مانند رامانوجا معتقد است بزرگترین وظیفه انسان این است که دل خود را با روشنایی نور محبت بیاراید و از طریق عشق و محبت نسبت به خدای خود، معبود ازلی و ابدی واصل گردد.^۲ بحث عدم ثنوتی را که رامانوجا اساس مکتب خود قرار داد، زمینه ساز برای بزرگان بعدی نهضت نوبهکتی قرار گرفت. کبیر با تأثیر از رامانوجا به این اعتقاد رسید که روح جزئی از خداست ولی عین آن نیست. ارواح فردی و جهان مادی از لحاظ ماهیت و کیفیت از خدا متمایزند، اما در عین حال جزئی از او هستند.^۳ کبیر هم مانند رامانوجا توجه خود را به جهان، انسان و خدا معطوف می‌دارد. از نظر او اینها دارای واقعیت‌اند، ولی اشخاص و جهان وابسته به خدا هستند. نفس شخصی و ماده‌ی بی‌روح کاملاً با خدا متفاوتند ولی بدون او دارای هیچ گونه وجودی نیستند.^۴ کبیر در بحث وحدت وجود متأثر از رامانوجا است. رامانوجا یک وحدت را در هستی تعلیم داده‌است. از نظر او همه چیز برهمن است؛ برهمنی که دارای صفات است.^۵

نیم‌بار که در قرن دوازدهم میلادی می‌زیسته است.^۶ او از شاعران، عارفان و اندیشمندان بزرگ قرون وسطی بوده است. او معتقد بود که خداوند یکی است و حقیقت واحد است اما راما و کریشنا دو تجلی او هستند که انسان باید خود را به یکی از آنان تسلیم کند تا به حقیقت واصل شود. نیم‌بار که طریقه نوبهکتی یوگا را تدوین کرد.^۷ نظریه‌ای که او تدریس می‌کرد. در واقع یک نوع تلاقی بین دوگانگی و عدم دوگانگی بود و بر اساس انسان و جهان شکل گرفت در این مرحله کریشنا با برهمن هم‌تراز شناخته شده بود.^۸

^۱ - چند، همان، ص ۸۶

^۲ - همان، ج ۲، ص ۷۹۷.

^۳ - شایگان، *ادیان و مکاتب فلسفی هند*، ج ۱، ص ۲۱۸.

^۴ - چند، همان، ص ۸۵

^۵ - چند، همان، ص ۱۶

^۶ - شایگان، *ادیان و مکاتب فلسفی هند*، ج ۲، ص ۷۹۷.

^۷ - چند، همان، ص ۱۴۶.

^۸ - Werner, Karel, *A Popular Dictionary of Hinduism*, P.98.

با توجه به اعتقادات نیم‌بارکه می‌توان گفت کبیر این تاثیر را از او گرفته است که برهنه واقعی مستقل دارد و وجود محض و خالق و نگهدارنده‌ی عالم است. روح فردی بشر که دارای خود آگاهی است که به دست خدا (برهما) خلق و نگهداری شده و به او شباهت دارد. ایمان به کریشنا (به عنوان وجود یک خدا مانند رامنا) موثرترین راه برای رسیدن به رستگاری و پایان جریان سمساره است.^۱ کبیر هم با تاثیر از نیم‌بارکه معتقد است روح جزئی از خداست، هنگام نجات و گریز از بند هستی، روح به برهنه می‌پیوندد و این پیوستن و اتحاد، یگانگی و همانندی نیست، بلکه نفی هرگونه وجود مستقل است. به بیان دیگر، صفت روح در حین وصال با خداوند همچنان باقی می‌ماند و روح در این مقام یگانگی، از خصایص فطری خود دور نمی‌شود.^۲

نام‌دو از خانواده‌ای سطح پایین و از شاعران و روحانیون فرقه واراکاری^۳ هندوئی بود. او همچنین در فرقه سیک‌ها نیز برجسته و محترم است.^۴ شصت و یک سرود وی در کتاب مقدس سیک‌ها آمده است. او تبلیغ به‌گود دهرمها را به مدت پنجاه سال ادامه داد. وی تاثیر برجسته‌ای روی «توکارام» داشته است.^۵ نام‌دو معتقد به یگانگی پرستی و عدم تثلیث-گرایی بود. پرستش او صرفاً به خاطر وحدانیت خداوند بود. او خدا را در همه جا حاضر می‌دانست و مانند مکاتب دیگر خدا را خالق همه کائنات می‌دانست. نام‌دو مثل کبیر و صوفی‌ها به این اصل معروفیت جهانی داشت که می‌گفت: قدرت جهان در دست‌های خداست.^۶ عقاید ویشنویی او مانند عقاید متافیزیکی و روش‌شناسی و مخصوصاً رویکرد جهان‌شناسی وی کاملاً شبیه دیدگاه کبیر بود.

ولبهه چاریهاز اندیشمندان جنبش بهکتی است.^۷ وی تصویری شهوانی از ویشنو را در ظرافت و فریبندگی نشان داد و یک فرقه مذهبی به‌وجود آورد که به اطاعت و فرمانبرداری از معلم تأکید می‌کرد.^۸ ولبهه معتقد است طریق محبت، مستلزم عنایت و لطف ایزدی است و ولبهه آن‌را راه فیض و عنایت الهی نیز می‌داند.^۹ آیین ولبهه به یکتاپرستی خالص،

^۱ - Rizvi, Vol.1, P.356.

^۲ - Grieson, "Bhakti", Vol.2, P.545.

^۳ - Vārākāri

^۴ - جوادی نیا، *گورو نانک و اسلام: پژوهشی در دین و آیین سیک*، ص ۸۸

^۵ - Hess, Ibid, P.375.

^۶ - Vaudeville, "Namdev", *The Encyclopedia of Religion*, P.391.

^۷ - Barz, R.K., *The Encyclopedia of Religion*, P.183.

^۸ - Safra, "Vallabha Charya", *Ibid*, Vol.12, P.274.

^۹ - شایگان، *ادیان و مکاتب فلسفی هند*، ج ۲، ص ۸۰۵.

یعنی منزّه و مجرد از مفهوم مایا معروف است، خاصه آنکه ولبّه به غیر دوگانگی خالص اعتقاد داشت،^۱ بالاترین هدف را نجات نمی‌دانست بلکه آنرا در خدمت ابدی به شری کریشنا و شرکت کردن در لی‌لاهای او تصور می‌کرد.^۲

کبیر با تأثیر از ولبّه طریق معرفت (جنانه) و محبت (بهکتی) را در نظر گرفت و معتقد شد از طریق معرفت می‌توان به اصل باطن پی برد، در حالی که با توسل به طریق محبت، انسان در ورای نیکی و بدی جای می‌گیرد و به عالی‌ترین صفت الهی ممتاز می‌شود، یعنی مانند کریشنا می‌شود و به بهشت راه پیدا می‌کند. این محبت مانند نور درون سالک از طرف خداوند است.^۳

راماننده برهمنی بود که در سال ۱۳۵۹ میلادی در مدرّس متولد شد.^۴ اما درباره تاریخ تولد وی اختلاف نظر وجود دارد.^۵ او چهارمین مرشد روحانی و پیشوای مذهبی از خاندان رامانوجا بود، که در جنوب هند فعالیت خود را آغاز کرد.^۶ راماننده شاگرد رامانوجا بود. وی نهضت مذهبی بهکتی را در جنوب و شمال هند با هم مرتبط ساخت و یک نوع پل فکری بین شمال و جنوب هند ایجاد کرد. راماننده معتقد به پرستش خدای یکتا بود.^۷ ناگفته نماند که وی به-عنوان پیشگام جنبش بهکتی در شمال هند محترم است. در شعری از کبیر تأکید شده است که بهکتی در دکن آغاز شد و توسط راماننده به هندوستان شمالی برده شد.^۸

^۱ - Chatterjee, C., *Studies in the Evolution of Bhakti Cult with Special Reference to Vallabha School*, Part 2, P. 99.

^۲ - تولیتی، سمانه، و ابوالفضل محمودی، «مکشه از دیدگاه مکتب بهکتی ویشنوی (از رامانوجا تا نانک)»، *پژوهشنامه ادیان*، ش ۱، ص ۲۱۶.

^۳ - شایگان، همان، ج ۲، ص ۸۰۳.

^۴ - Singh Brar, "Sikhism and other Religious, Sufism".

^۵ - جلالی نائینی، *طریقه گورو نانکو پیدایش آئین سیک*، ص ۱۱.

^۶ - Grierson, "Bhakti", Vol.2, P.546.

^۷ - چند، همان، ص ۳۴۴.

^۸ - Singh Brar, "Sikhism and other Religious, Sufism".

راماننده دو قرن بعد از استیلای مسلمانان فرقه‌ای را در درون مذهب ویشنویی به وجود آورد. وی به منظور آنکه دین ویشنو را از بعضی اعتقادات و عادات نامعقول تصفیه کند، از رعایت امتیاز صنفی و سیستم کاستی سرباز زد. پیروان او خوردن گوشت حیوانات را که از محرّمات بود حلال دانستند.^۱

وی به عرفان قرون وسطی نیز نیرو بخشید و می توان گفت او محل تلاقی دو جریان اسلام و آئین هندو در هند به شمار می آید. وی معتقد به برابری تمام طبقات اجتماع در برابر قانون بود. او را سر سلسله‌ی درویشان و فقیران طریقه بهکتی به شمار می آورند.^۲ با اندیشمندان مسلمان بنارس تماس داشت، با اصول دین و فلسفه‌ی اسلام آشنا شد و از اصول و تمدن اسلام تأثیر پذیرفت.^۳ تأثیر کبیر از راماننده در این مورد بود که بعضی از اعتقادات دین ویشنویی نامعقول هستند و باید آنها را تصفیه کرد. از جمله این اعتقادات سرباز زدن از سیستم کاستی بود.^۴ از نظر راماننده و کبیر هیچ تمایزی بین انسان‌ها وجود ندارد. آنها معتقد به برابری تمام طبقات اجتماع در برابر قانون و شریعت بودند.^۵

کبیر با تأثیر از استاد خود به جای وعظ و نوشتن اشعار به زبان سانسکریت، با زبان بومی پیروانی را جمع کرد و از طریق آنها عقاید خود را در اختیار همه‌ی گروه‌های اجتماعی قرار داد. او همه‌ی طبقات اجتماعی حتی پایین‌ترین آنها را نه به صورت مردم عادی بلکه به عنوان معلم پذیرفت. برای راماننده و کبیر فرقی نمی کرد که شنونده‌ی سخنانشان از چه طبقه و با چه دینی است هندویی باشد یا مسلمان.^۶ تولسی داس آخرین شاعر هندی قرون وسطی می باشد که کارها و آثار وی تأثیر بزرگی بر پرستش و نهضت نوبهکتی در هند داشت. مخصوصاً جوامعی که راما را مرکز پرستش خود قرار داده بودند.^۷ بزرگترین کار تولسی داس ایجاد سبک پرستش مردمی و قابل قبول در جامعه ارتدوکس هندو بود و تفسیرهای فلسفی او حتی برای مردم عادی پذیرفتنی است. تفسیر وی از رامایانه‌ی زبان سانسکریت بود. او ماهیت شعر رزمی را تغییر داد و آن را تبدیل به شعر عبادی عامه نمود.^۸

^۱ - بایر ناس، همان، ص ۳۰۳.

^۲ - جلالی نائینی، *طریقه گورو نانک و پیدایش آئین سیک*، ص ۱۰.

^۳ - همان، ص ۱۲.

^۴ - بایر ناس، همان، ص ۳۰۳.

^۵ - جلالی نائینی، همان، ص ۱۰.

^۶ - Grierson, "Bhakti", P.547.

^۷ - Narayana Rao, "Tulsidas", *The Encyclopedia of Religion*, P.81.

^۸ - Hess, *Ibid*, P.375.

کبیر و تولسی داس هر دو از شاگردان و متأثر عقاید راماننده بودند. اما کبیر با تأثیر از تولسی داس به پرستش راما مشغول بود و مانند او راما را خدای واحد می دانست. در واقع عقاید کبیر و تولس داس بر پرستش یک خدای واحد بود و راه رسیدن به خداوند را بهکتی می دانستند. با این تفاوت که تولسی داس بیشتر تابع تعلیمات آئین هندو بود.^۱

تأثیر کبیر بر نهضت نوبهکتی را با توجه به فیلسوفان قبل از خود اینطور می توان بیان کرد که او در تعالیماتش از کلمه ای به نام مولگادی استفاده و آن را به عنوان جنبش بهکتیبیان کرد.^۲ پیروان وی با توجه به سخنان او، مولگادی را تحمل پذیرترین شکل و نمادی می دانند که طی قرن های طولانی از جنبش بهکتی به عنوان یک سنت مستقل به وجود آمده است؛ به عبارت دیگر نوعی هوشیاری معنوی که ناشی از آموزه های جاودانه می باشد و در روند معنوی و فرهنگی مستقل شکل گرفته است.^۳

کبیر جامعه ای را به نام «کبیر پانت» پایه گذاری کرد که تا امروز ادامه دارد و فرقه های بسیاری از آموزش های او درون کبیر پانت پدید آمد. همه آنها از بت پرستی دوری کردند. با وجود این نظرات، این فرقه ها گسترده شد و دستورات خاص خود را به کار گرفتند. مهمترین این فرقه ها، سیک است که توسط گورو نانک از مریدان کبیر پایه گذاری شد.^۴ جنبش نوبهکتی که در سراسر هند گسترش یافت و در طول اعصار، به زندگی میلیون ها انسان، اعتبار اخلاقی و ارزش عطا کرد. دو هدف داشت: این جنبش در وهله نخست، اعتراضی به ظاهربینی در مذهب و برون گرایی در پرستش بود. ثانیاً این جنبش، کوشش پاکدلانه گروهی از مردان خدا بود که با شعار عشق و خدمت می خواستند هندوها و مسلمانان را با یکدیگر آشتی دهند و به آنها بیاموزند که در مسائل اصلی، تفاوت چندانی میانشان نیست.^۵

شرایط اجتماعی کبیر و واکنش وی با افراد به گونه ای بود که مورد توجه «دادو دایال»، «راویداس» و «رادها سوامیس»^۶ قرار گرفت. آنها کمک کردند تا فرقه «کبیر پانت» شکل گیرد. این فرقه در شمال و مرکز هند تشکیل شد و اعضای آن از افراد طبقه کارگر بودند.^۷ مکتب کبیر به دوازده شاخه تقسیم شد و هر یک از شاگردان او پیشوایی یک فرقه را

^۱ - جلالی نائینی، *طریقه گورو نانک و پیدایش آئین سیک*، ص ۱۳.

^۲ - Vivekdas, "Bhakti Movement", @ www.Kabirchaura.com.

^۳ - Ibid.

^۴ - Basham, *Ibid*, P. 275.

^۵ - شایگان، *آیین هندو و عرفان اسلامی*، ص ۳۸۶.

^۶ - Rādhā Suāmis

^۷ - Doniger, *Ibid*, P. 627.

بر عهده گرفتند. بعضی از این فرقه‌ها موقتی بودند و نتوانستند برای پابرجایی ریشه بگیرند، اما برخی دیگر، فرقه‌های مذهبی هند را به وجود آوردند.^۱

راویداس معاصر با کبیر و از شاگردان اصلی وی بود. از آنجا که او یک روحانی بود، تعدادی پیرو داشت. او به یک زندگی ساده و مبتنی بر پرهیزکاری تأکید می‌کرد و افکارش اوج جنبش نوبهکتی را نشان می‌دهد.^۲ راویداس عضو مکتب سنت‌ها از شاعران مذهبی شمال هند گردید. وی سنت نهادینه شده هندوها را مانند عبادت معبد، محدودیت‌های کاست و پرستش خدای محدود را مورد تمسخر قرار داد. او با پیروی از کبیر تحت تأثیر عقیده‌ی «نات» از یوگا و نیز صوفیه قرار گرفت.^۳ راویداس از کبیر تأثیر گرفت که هر انسانی متمایز از دیگری نیست. هر کسی حق پرستش خدا و خواندن متون مقدس را دارد، او با نظام کاست مبارزه کرد. او سنت‌های برهمنان را برای رسیدن به قدرت مطلق رد کرد. همچنین می‌گفت شخص نباید قومیت خود و یا حرفه پایین خود را برای رسیدن به خدا پنهان کند. او برای پیروان خود مثل الگویی بود که بر موانع مقررات اجتماعی برهمن‌ها غلبه می‌کند. بدون هیچ‌گونه ترس و یا غمی شرایط کاری آنها را ارتقاء داد؛ با این حقیقت که شریف‌ترین کار باید مورد ستایش باشد.^۴

دادو دایال از روحانیون راجستان در شمال هند بود. او در نیمه دوم قرن شانزدهم زندگی کرد و مانند کبیر، از طبقه پایین کاست آمده بود و به اسلام گرایید.^۵ یکی از رویاهای دادو یگانگی ادیان بود. او «برهما سم پرادایا» را برای پرستش خدای بدون آئین بنیان نهاد.^۶ دادو هم مانند استاد خود، کبیر و با تأثیر از وی مخالف هرگونه نظام طبقاتی بود. او بر این باور بود که مهم نیست که انسان از چه نژاد و چه مذهبی است، مسلمان یا هندو فرقی ندارد، مهم آن است که تنها یک خدا را پرستش و برای رسیدن به خدا از طریق راه عشق به معبود هستی تلاش کند.^۷

بنیان‌گذار آئین سیک، گورو نانک در حوالی لاهور در پاکستان کنونی متولد شد. پدر و مادر وی هر دو هندو مذهب بوده‌اند. نانک اصالتاً هندو بود ولی بعدها به دین اسلام درآمد و بیشترین تلاش خود را در تلفیق بین پیروان

^۱ - Chandreek, *Ibid*, P.87.

^۲ - جوادی نیا، همان، ص ۱۰۵.

^۳ - Sullivan, "Ravidas", *Ibid*, P.180.

^۴ - Singh, Darshan, *Saint Ravidas and His Times*, P.5.

^۵ - Callweart, *The Indian Biography of Dadu Dayal*, P.11.

^۶ - سن، همان، ص ۱۲۵.

^۷ - جوادی نیا، همان، ص ۱۰۶.

آئین هندو و مسلمان کرد^۱ تحولات باطنی و انقلاب نفسانی نانک روز افزون بود و به مرحله‌ای رسید که افکار نفسانی در زندگانی وی تأثیری قاطع کرد. او به سفرهای زیادی پرداخت و در این سفرها با کبیر و عقایدش آشنا شد. کبیر هم او را به‌عنوان شاگرد پذیرفت و عقاید خود را به او تعلیم داد.^۲

نانک با تأثیر از استاد خود بر برخی از جنبه‌های زندگی اخلاقی و روحانی تأکید ورزید. او با جدیت تمام علیه اختلاف طبقاتی جنگید و همانطور که در کتاب مقدسش «گرائت صاحب» آمده، بر وحدت هندو و مسلمانان اهمیت داد. نانک خدای یکتای جهان را «حق» نامید. وی می‌گفت خدا به هر نامی که خوانده شود فقط او قادر متعال و حق است. سعادت و وصول به نیروانا همان استغراق در ذکر حق است. وی مایا یا صورت وهمی جهان را که در دین هندو آمده است، پذیرفت و تناسخ و قانون عمل و عکس العمل را تا حدودی قبول کرد. نانک خوردن گوشت را برای پیروانش مباح دانست، ریاضت و بت‌پرستی را ممنوع کرد، نظام طبقاتی و تعدد زوجات را هم حرام شمرد.^۳ وی مانند کبیر، هدف غایی انسان را اتحاد یا خداوند می‌داند و از آن به «نیروان»^۴ یا «سهج»^۵ تعبیر می‌کند که تجربه‌ای غیر قابل وصف است. مرحله غایی سلوک فرد در آن است که به یک آمیختگی مطلق می‌رسد و در مورد آن نمی‌توان سخنی گفت زیرا شناخت آن تنها با تجربه میسر می‌شود.^۶

«مولگادی»^۷ در وطن کبیر و سراسر جهان مورد توجه قرار گرفته است. مولگادی به‌عنوان موضوعی اصلی برای پیروان کبیر درباره‌ی حقیقت کبیر و پیغام‌های او در مسافرت‌هایش از هند به بخش‌های مختلف جهان بوده است. مولگادی مسیر پیروان امروزه را مشخص می‌کند. امروزه خانه کبیر در مقر^۸ کمتر از دو هزار راهب کوچک و بزرگ رابه‌خود اختصاص داده است و پیغام کبیر تنها هدف پیروان فرقه‌های مذهبی است که درصدد هستند پیوندهای نژادی، ملیتی،

^۱ - بایر ناس، همان، ص ۳۰۴.

^۲ - Sullivan, "Nanak", *Ibid*, P.141.

^۳ - Singh, G., *Philosophy of Sikh Religion*, Vol.1, P.XXV.

^۴ - کول، ویلیام اوئن، *سیک‌ها و معتقدات مذهبی و رویه آنان*، ص ۲۶۵.

^۵ - Nirvan

^۶ - Shaj

^۷ - تولیتی، همان، ص ۲۱۷.

^۸ - Moolgādi تعبیر کبیر از جنبش بهکتی با تأثیرات عقیدتی خود در آن است.

^۹ - Maghar

طبقه‌بندی، اجتماعی، مذهبی و مسلک‌های دینی به وجود آورند. این رسالت مرز ندارد بلکه هدف رستگاری و وفاداری به مذهب است.^۱

نتیجه گیری

قدیسان بهکتی مانند پیشوایان عرفانی از همه گونه قشر و طبقه بودند. بیشتر آنان اهل پیشه و حرفه بودند، یا از طبقه روستاییان نه چندان توانگر بودند. گه گاه برهمنی به نهضت بهکتی می پیوست، اما روی هم رفته پیروان این طریقه عمدتاً از کاست‌های فرودین بودند که به مذاهب نهادینه شده و پرستش اشیاء و اماکن اعتراض داشتند؛ به مقررات و قوانین کاست بی اعتنا بودند؛ زنان را ترغیب می کردند تا در اجتماعات شرکت کنند و تمام سخنرانی‌ها و موعظه‌های آنان به زبان‌های محلی بود.

از دیدگاه تاریخی، مهم‌ترین و مؤثرترین نظرات نهضت بهکتی، در این دوره، از سوی «کبیر» اظهار شد. وی بیانگر احساسات و خواسته‌های مردم شهرنشین و پیشه‌وران روستایی بود، که به شهرها رفت و آمد داشتند. اندیشه‌های کبیر نه تنها از سنت‌های موجود بلکه از تعلیمات اسلام مؤثر بود. این تأثیر اسلام است که نظریات وی را با افکار دیگر پیشوایان نهضت بهکتی متفاوت می سازد. نهضت بهکتی این دوره اصولاً از میان طبقات شهرنشین برخاسته بود.

کبیر فرزند یکی از برهمن‌ها بود. پدر ناتنی او بافنده بود و خود او بافندگی می کرد. به کاست فرودین بافنده‌ها تعلق داشت. آگاهی او از فوت و فن بافندگی سبب شد که انبوهی از تمثیلات مبتنی بر جزییات بافندگی را با چیره‌دستی در اشعار خود به کار گیرد. در آغاز از مریدان راماننده، اصلاح طلب ویشنوپرست بود؛ اما سرانجام از او جدا شد و به موعظه‌ی اندیشه‌ها و افکار خویش پرداخت. کبیر تنها به اصلاحات مذهبی قانع نبود، بلکه می خواست جامعه را عوض کند. اندیشه‌های خود را که انباشته بود از تمثیلاتی که برای همگان قابل درک باشد و به یاد سپردن آنها آسان، در قالب رباعی‌های ساده و کوتاه، بیان می کرد. اشعار او که بعد از مرگش در دو مجموعه گردآوری شد، بیانگر اندیشه‌هایش است.

کبیر یا مفهوم خدا را آن‌چنان که هندوان و مسلمانان می‌پندارند، رد می کند و یا اینکه اصرار می‌ورزد که آنچه این دو در این باره می‌گویند، یکسان و هم‌آواست. کبیر قصد نداشت که با گلچینی از تعالیم هندوان و اسلام شکاف موجود میان این دو کیش رایج در هند را پر کند. کبیر پیشوای گروه مذهبی نوینی بود که در آن، پروردگار روایتی

^۱-Viveklas, "Global Influence".

نو در قالب رامای هندوان و الله مسلمانان نبود، بلکه مفهومی به کلی نوین بود که هر چند از دو نیروی مذهبی موجود در جامعه مشتق شده بود اما کسی قصد آمیختن و سازگار کردن آن دو با یکدیگر را نداشت. حال می‌توان فهمید که چرا هم برهمن‌ها و هم علما، این چنین با شدت و جدیت به مخالفت و دشمنی با این رهبر مشخص نهضت بهکتی پرداختند و او را مبشر و مبلغ مذهبی کاملاً از نو پیدا شده می‌پنداشتند.

از جنبه‌های مشترک تمام قدیس‌های نهضت نوبهکتی، شعر سرودن آنها به زبانی که برای پیروان آنان مفهوم باشد، بود. این امر نه تنها منجر به محبوبیت و رواج ادبیات بهکتی گردید، بلکه انگیزه‌ی ترجمه‌ی کتاب‌های مقدسی شد که تا آن زمان فقط به زبان سانسکریت بود. پیروان کبیر جامعه مذهبی مستقلی را به وجود آوردند. فرقه‌های کبیر «پانتی»‌ها هستند. این فرقه پیروان بی‌شماری در میان پیشه‌وران و روستاییانی که برایشان توصیه به زندگی ساده و بی‌آلایش و فقدان مراسم نامفهوم، جاذب و دلنشین بود پیدا کرد. از سوی دیگر، در تعلیمات و نوشته‌های این فرقه، پرهیز از افراط و تفریط در جوانب گوناگون زندگی و حفظ تعادل به‌عنوان یکی از اصول زندگانی اجتماعی توصیه می‌شد.

فهرست منابع

- ۱- انسان کامل از دیدگاه بودا، یوگا، بهکتی، ۱۳۶۱، هیئت تحریریه، تهران، موسسه مکاتباتی اسلام شناسی.
- ۲- بایرناس، جان، ۱۳۸۴، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، تهران، علمی فرهنگی.
- ۳- تولیتی، سمانه، ابوالفضل محمودی، ۱۳۸۶، «مکشه از دیدگاه رامانوجا تا نانک»، پژوهشنامه ادیان، نیمسال‌نامه تخصصی ادیان و عرفان تطبیقی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- ۴- جلالی نایینی، م.، ۱۳۴۸، طریقه گورو نانک و پیدایی آیین سیک، تهران، تابان.
- ۵- جوادی نیا، اکرم، ۱۳۸۵، گورو نانک و اسلام: پژوهش در دین و آیین سیک، عبدالرحیم مرودشتی، تهران، کتابخانه دانش.
- ۶- چند، تارا، ۱۳۷۴، تأثیر اسلام در فرهنگ هند، علی پیرنیا و عزالدین عثمانی، تهران، پازنگ.

۷- دورانت، ویل، ۱۳۷۸، *تاریخ تمدن: اصلاح دینی*، فریدون بدره‌ای، پرویز مرزبان، سهیل آذری، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ ششم.

۸- سن، ک.م، ۱۳۷۵، *هندویسم با گزیده‌ای از متن هندو*، علی پاشایی، تهران، فکر روز.

۹- شاله، فیلسین، ۱۳۶۴، *تاریخ مختصر ادیان بزرگ*، منوچهر خدایار محبی، تهران، دانشگاه تهران.

۱۰- شایگان، داریوش، ۱۳۷۵، *آیین هندو و عرفان اسلامی*، جمشید ارجمند، تهران، فرزانه روز.

۱۱-، ۱۳۷۵، *ادیان و مکاتب فلسفی هند*، تهران، امیر کبیر، چاپ چهارم.

۱۲- کول، و.، ۱۳۶۲، *سیک‌ها و معتقدات مذهبی و رویه آنان*، محمود فیروزنیا، تهران، توسعه.

۱۳- وبر، ر.، ۱۳۷۶، *جهان مذهبی ادیان در جوامع امروز*، عبدالرحیم گواهی، تهران، فرهنگ اسلامی.

۱۴- هاردی، ف.، ۱۳۷۶، *ادیان آسیا*، عبدالرحیم گواهی، تهران، فرهنگ اسلامی.

۱۵- هینلز، جان.، ۱۳۸۹، *ادیان زنده شرق*، جمعی از مترجمان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

منابع انگلیسی

- 1- Aggarwal, G., 2008, *Mahatma Kabir (His Life & Poetry)*, New Delhi, Diamond Pocket Books Pub.
- 2- Barz, R.K., 1995, "Vallabha", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (Ed.), New York, Mcmilian Company.
- 3- Burn, R., 2007, "Kabir", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (Ed.) T. & T. Clark, London, Harward University.
- 4- Callweart, M., Win, J., 1988, *The Indian Biography of Dadu Dayal*, Dehli, Motilal Banarsidass pub.
- 5- Carlye Scotte, D., 1975, *Kabir: Medieval Indian Saint*, California, University of Wisconsin- Madison press.
- 6- Carman, J.B., 1995, "bhakti", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (Ed.), New York, Macmilian.

- 7- Chandreek, K.L., & M.K. Jain, 2007, *Sant Kabir: Life and Philosophy*, New Delhi, Shree Publication.
- 8- Chaterjee, C., 1975, *Studies in the Evolution of Bhakti Cult with Special Reference to Vallabha School*, Part 2, Virginia, Jadavpur University .
- 9- Chilara, R., 2005, *International Bibliography of Sikh Studies*, Netherland, Springer Pub.
- 10- Das, G.N., 2003, *Love Songs of Kabir*, New Delhi, Abhinar of Michigan.
- 11-,, 2008, *Couplets from Kabir*, Delhi, Motilal BANarsidass.
- 12-,, 2008, *Saying of Kabir*, USA, University of Michigan.
- 13- Doniger, W., 1999, *Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, USA, Merriam-Webster Pub.
- 14- Geden, A., 1993, *Studies in Religions of East*, London, C.H. Kelly.
- 15- Grieson, G., 2007, "Bhakti", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (Ed.) T.&T. Clark, London, Harvard University.
- 16- Gohba, J. 1995, "Indian Religion: Overwieve", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea, Eliade (Ed.), New York, Macmilian.
- 17- Hess, L. 1995, "Indian Poetry", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea, Eliade (Ed.), New York, Macmilian.
- 18- Hussain, H., 2007, *Sufism and Bhakti Movement: Eternal Relevance*, Virginia Manak Pub.
- 19- Jones, C., & J.D. Rayan, 2006, "Kabir", *Encyclopedia of Hinduism, Encyclopedia of World Religion*, New York, An Imprint of InfoBase Pub.
- 20- Karki, M. S., 2001, *Kabir*, Delhi, Motilal Baharsidass.
- 21- Key, F.E., 1996, *Kabir and His Followers: Sri Sat Guru*, Delhi, A Division of India Bodecentre Pub.
- 22- Klostermaie, K., 2007, *A Survey of Hinduism*, USA, State University of New York.

- 23- Mittal, S., & G.Thursby, 2004, *Hindu world*, New York, Taylor and Francis Group.
- 24- Mohony, K.W.,1995, “Karman”, *The Encyclopedia of Religion*, Mircea, Eliade (Ed.), New York, Macmilian.
- 25- Monier, W., 1877, *Hinduism*, London, Society for promoting Christian Knowledge.
- 26- Naryana Rao, V., 1995, “Tulsidas”,*The Encyclopedia of Religion*, Mircea, Eliade (Ed.), New York, Macmilian.
- 27- Radha Krishna, S., 1969, *Indian Philosophy*, Allen George (Ed.), New York, Humanitis.
- 28- Rizvi, S.A.A., 2009, *A History of Sufism Indian*, USA,, The University of California.
- 29- Safra, Jacob E., 2005, “Bhakti”, *The New Encyclopedia of Britanica*, Chairman of the Board, Chicago.
- 30-,, “Bhakti Movement”, *The New Encyclopedia of Britanica*, Chairman of the Board, Chicago.
- 31-,, 2005, “Kabir”, *The New Encyclopedia of Britanica*, Chairman of the Board Chicago.
- 32-,, 2005, “Vallabha Charya” ,*The New Encyclopedia of Britanica*, Chairman of the Board, Chicago.
- 33- Schomer, K., & W.H. Mcleod, 1987, *The Saints Studies in a Devotional Tradition of India*, Berekeley Religions Studies Series, Delhi, Motilal Banarsidass.
- 34- Shattuck, C., 1999, *Hinduism*,London,Routledge Pub.
- 35- Singh, B., 1995, “Sikhism and Other Religious, Sufism”, @ www.Sikh.org.
- 36-, ..., 1995, “Sri Granth Saheb”, @ www.Sikh.org
- 37- Singh, D., 1977, *Saint Ravidas and His Times*, Virginia, Kalyani Pub.
- 38- Singh, G., 1981, *Philosophy of Sikh Religion*, India, Printed at the Newal Kishore Press.

- 39- Singh, S., & L. Hess, 2002, *The Bijak of Kabir*, UK, Oxford University.
- 40- Sullivan, B.E., 2010, “Bhakti”, *Hinduism*, New Delhi, Vision Book.
- 41-,,, “Nanak”,,,
- 42-,,, “Path of Devotion”,,,
- 43-,,, “Ravidas” ,,,
- 44- Tagore, R., 2004, *One Hundred Poems of Kabir*, S.Bhattacharya(ed.), New delhi, Orient Blackswan pub.
- 45- Thiel-Horstman, M., 2002, *Image of Kabir*, New Delhi, Manohar Pub.
- 46- Vaudeville, C.,1995, “Namdev”,*The Encyclopedia of Religion*, Mircea, Eliade (Ed.), New York, Macmilian.
- 47- Vivekdas, A., 2006, “Bhakti Movement”, @ www.Kabirchaura.com, Varanasi.
- 48-,,, “Global Influence”,,,
- 49- Werner, K., 1997, *A Popular Dictionary of Hinduism*, U.K., Taylor & Francis Pub.